

دکتر مدثر نظر

استاد موقتی، بخش فارسی دانشگاه کشمیر

## ملابینش به عنوان غزل گوی پارسی کشمیر

### چکیده

زبان فارسی در شبه قاره در دوره مدید (بیش از شش صد سال) زبان رسمی بوده و اکنون در دیار هند و کشمیر نیز ریشه های زبان اصلی سرزمین شبه قاره همین زبان با صلابت و فصیح فارسی است از آنجا که ادبیات فارسی تحول خود در سرزمین کشمیر سپری کرده و تا جایی که در ادب پروری شاهان شاهمیری، چک و جز آن به ویژه شاهان تیموریه (مغولان هند) ادب و زبان فارسی را اعتبار بخشیده اند حق و جایگاه آن ادا نتوان کرد. همین است که ملا محمد اسمعیل بینش یا میر جعفر بیگ بدخشی در گوشه گمنامی ماند. شاعری صاحب سبک و دیوان پر از فصاحت است و از لحاظ درونی و شکل ظاهری، موسیقیت و تخیل دارد که او را در ردیف شاعران سر آمد و نام آور سبک هندی قرار داد. روش تحقیق این مقاله همان است که چندین نکات مهم غزل های وی را به خوانندگان ارایه داده شود تا محققان و پژوهندگان نو در این راه کاری کنند شاعر معروف قرن یازدهم هجری میلادی ملا اسمعیل یا جعفر بیگ در دوره شاهجهانی زیسته است و این مقاله درباره زندگی و غزلیات وی جنبه های معتبر دارد

## کلمات کلیدی

سبک شناسی، زبان فکری، ادبی، مدید، پژوهش  
ممدوحان، مژگان، عاطفه، پیر مغان  
زندگی نامه شاعر

میر جعفر بیگ یا ملامحمد اسمعیل بینش کشمیری یکی از  
شاعران ایرانی النسل بوده است (۱) که اجدادش از ایران به  
کشمیر مهاجرت کرده بودند و در همین سرزمین بینش متولد شد -  
راجع به تاریخ تولد وی هیچ تذکره به ما اطلاعی نرسانیده اما  
در باره اجداد وی بندرابن داس خوش گو در کتاب خود چنین  
آورده است

... اگر چه اسلاف او متولد یعنی ایران را بودند لیکن به علت بودن  
در کشمیر که تمام عمر آنجا بسر برده، به کشمیری مشهور شده  
مشق بسیار پخته کرده، در اشعارش نازگی و نازکی بسیار است (۲)  
اما چندین از تذکره نگاران ایران را جای تولد او می  
پندارند که اشتباه بزرگی است گر چه اجداد وی از همان جا  
مهاجرت کرده به دیار کشمیر پناهنده شدند بینش را نه باید شاعر  
ایرانی قرن دو از دهم شمرد (۳) در باره تاریخ تولد گر چه هیچ  
منبع ای اطلاعی نیاورده اما می توان گفت که در اواخر دوره  
شاهی شاجهان و مقارن با پادشاهی اورنگ زیب عالمگیر بوده  
است - در همین دوره علوم شرعی و عقلی را فرا گرفته به شعر و  
سخن گراییده شد - هیچ منبع در باره شعبه یا سنی بودن وی  
اطلاعی به ما نرسانیده اما از اشعار وی که در باب مدح علی کرم  
الله سروده بعضی از محققان او را شعبه اثنی عشری می پندارند - در

باب مدح علی کرم الله و عاشوره اشعار زیر وی را ملاحظه کنید

گشود قلعه خیبر چنان به آسانی

که خم نگشت به دستش هلال وار انگشت

به روز رزم ز آشوب چین ابرویش

به زینهار بر آورده ذوالفقار انگشت

صرف نظر از احوال زندگانش حالا درباره اشعار وی سخنی بر آریم تا موضوع مزبور را شرح داده شود. کلیات او شامل غزلیات و قصاید و مثنوی ها است و نسخه کلیات وی در موزه برتانیا زیر شماره ۷۰۵ مضبوط است (۴) علاوه بر دیوان متذکره یک میکرو فلم دیوان وی در کتاب خانه تحقیق و اشاعت جامو و کشمیر و دیگر در موزه سالار جنگ هم مضبوط است. بینش علاوه بر غزل سرایی و قصیده گویی در مثنوی سرایی هم دست تبحر داشته و در این باب مقلد نظامی گنجوی بوده است. مثنویهای که به او نسبت داده شده است از این قرار است:

بینش ابصار، گنج روان، گلدسته، شور خیال ورشته  
گوهر، علاوه از این در فهرست ایرینیکاو دائرت المعارف يك  
مثنوی دیگر بنام جواهر نامه هم نسبت داده شده است. درباره  
کلیات وی که حدود ۱ هفت هزار بیت دارد فهرست موزه برتانیا  
چنین آورده است:

... بینش شش منظومه و یک دیوان غزلیات و قصاید دارد  
----- ششمین و آخرین منظومه که در آن به ستایش اورنگ زیب  
پرداخته و از بغداد و تبریز هم یاد آوری کرده است... (۵)  
بینش ابصار در جواب مخزن الاسرار نظامی سروده شده

است که آغاز آن از اشعار زیر می شود

بسم الله الرحمن الرحيم گلبن بر جسته باغ قدیم

موضوع این مثنوی از قبیل اخلاق، عرفان، صبر و قناعت  
و فقر است - در مثنوی دیگر گلدسته بینش درباره شعر لاهور شعر  
های دلنشین سروده است - در شور خیال در باب داستان عشقیه  
شهر بنارس شعرها گفته است - راجع به پری پیکری شعرهای  
دلنشین بینش را ملاحظه کنید -

پری رو دختری پرورده ناز

به عاشق همچو فیض صبح دمساز

سیه چشمی چو خال روی مردم

سخن گویی چو چشم خوش تبسم

در رشته گوهر بینش حکایات متعدد را به جامه نظم در  
آورده است که ذکر همه اش اینجا بس است محال -

بنده صرف نظر از مثنویهای وی در باره غزلیات وی و سبک  
شعری سخنمی خواهم آورد -

دیوان بینش شامل غزلیات و قصاید است که حدوداً  
۳۲۹۷ بیت دارد که ۲۱۷۸ بیت محتوای بر غزلیات و باقی مشتمل  
بر قصاید است - با آنکه وی در محدود زمانی می زیست اشعار وی  
دور از پیچیدگی های سبک هندی و مایل به سبک عراقی  
است - وی به سبک عراقی علاقه زیادی داشته و از شاعران نام آور  
مانند نظامی، حافظ و سعدی تتبع نموده است - مانند شاعران سبک  
عراقی واژه های از قبیل عشق، عاشق، معشوق، دل، تیر، مزگان، چشم  
، سرمه، لب، ابرو، قلب، سینه، داغ، شوخ، بی وفا، ناز، شراب ناب

،بخت، غم زندگی، سوز و اشک و جز آن تمام مایه اشعار بینش است  
- جای است که می توان گفت که عشق شاعر از حضور عشق زمینی  
در شعر و اندیشه شاعر است - عشقی که با تن پوشی نگارین از عاطفه  
،خیال و احساس، در قالب گله و شکایت از فلک، غم فراق یار و ترك  
تعلقات در راه رسیدن نمود پیدا کرده است -

معشوق وی معشوقی است که میتواند مظهر تمام نمای  
زیبای در دل هر فرد عاشق پیشه باشد - علاوه از این او واژه های  
دری هم بکار برده است که از جمله خصیصه های دیوان غزلیات ا  
ومی باشد - از دیگر مختصات شعری بینش می توان کار گیری  
برخی از واژگان و افعال کهن را در در شعر وی نام برده - در باره  
اشعار زیر را ملاحظه کنید :

تو بینش از قمار عشق بازی نیستی واقف  
که در يك داو اول دین و دل را باختی رفتی

.....

تواند خون من گلگونه رخسار خنجر شد  
که باشد جوهر شمشیر او را غازه مژگان

.....

بینش فکنده طالع ما سایه در جهان

این تیرگی نشانه ز شب های دا ج است (۶)

بینش در اشعار خود لغات و ترکیبات خود ساخته را هم  
بکار برده است - انواع ترکیبات زبانی چون کلمه مرکب ، ترکیب  
توصیفی و ترکیب اضافی در شعر بینش باعث غنا و قابلیت حیرت  
آوری برای خلق معنی و خلق تصویر شده است هم چنین شاعر از

ترکیبات و لغات خود ساخته استفاده کرده که از ویژگی های سبک  
وی شمرده شده است -

گر چه بینش يك صوفی کامل و عارف مسلک نیست اما  
رویای ضعیف از عرفان و نگاهی عارفانه با اشعار وی پیوند خورده  
است وی با به کار گیری اندیشه و آرای خویش همچنین عاشقی و  
شاعری خود ادامه داده با بیابانی صریح، شیوه اسو آمیخته به  
عرفان، اندرز و مضامین اخلاقی در ضلال شعر خود جا داده است  
- وی گاه از عرفان منصور سخن کرده است و گاه اندرزهای  
عرفانی به خوانندگان اشعار خود داده است :

تو ای منصور تنها از انالحق نیستی رسوا  
که باشد خود نمایی بر فراز دار هم بودن

.....

عشق می گفت به منصور که ای کشته شوق  
در حق خویش کسی همچو تو غماز نیست

.....

عزت ایام بی زحمت نمی آید بدست  
سنگ بت گردد به خود بیند چو زخم تیشه را

.....

هر کس که میرسد دیده خود فرش رهش کن  
چون آینه شرمنده مهمان نتوان دید

چو اولاً ذکر کرده ام که وی اتباع سعدی، نظامی و حافظ  
کرده است - بینش تداعگیر مضامین اشعار حافظ هم است و برخی  
از کلمات و ترکیبات شعر وی هم چون، پیر مغان، محتسب، در

میکنده، ساقی، ساغر، خرابات، خرقة، رند، سوفی، صومعه و جز آن  
بکار برده است - حتی بارها از مضامین غزلهای حافظ هم بهره  
برده آن را در اشعار خود جا داده است :

روشی دیده ام از مردم دنیا که میپرس  
دارم از شیوه این قوم خبرها که میپرس (بینش)

.....

که چنان زو شده ام بی سر و سامان که میپرس  
دارم از زلف سیاهش گله چندان که میپرس (حافظ)

.....

عشق دارد فلک دگر و سیار دگر  
کرده سرگشته مرا گردش پرگار دگر (بینش)

.....

گر بود عمر به میخانه روم بار دگر  
بجز از خدمت رندان نکنم کار دگر (حافظ)

شعر بینش بر لحاظ کار برد درست صنایع ادبی، از شعرای  
دگر متثنی نیست - صنایع ادبی یا شعری یکی از ویژگی های شعر  
شاعر است که بدون دقت کردن به آن نتوان شعر فهمی و شعر  
گویی وی را درک کرد این جز سبک شاعر هم بشمار رفته و درسطور  
زیر چندین از صنایع شعری وی را ذکر خواهیم کرد که او را  
شاعران ردیف اول جا داده است

اشعار بینش با توجه بر وزن و قافیه حافظ سروده شده است  
به نظر می رسد پر کار ترین بحر دیوان وی بحر رمل تشکیل میدهد  
گویا بینش این را که به دلیل برتری هجای بلند بر کوتاه می پسندد

- ایهام تناسب یکی از پر شور ترین صنعت شعری است که بینش را به ظرافت های شعر حافظ آورده است -

ایهام:

از خنده لب او از دلم شود بر آورد

تا غم نمکی تازه کند بر سر خوانم

؛؛؛؛؛؛؛؛؛؛؛؛

سر زد ز لب لعل تو مانند نگین خط

در قلعه یاقوت نشد ثبت چنین خط

تضاد:

صنعت تضاد به نوع بازی با واژه ها است و از خانواده تناسب شمار می شود، بینش بر خلاف شعرای سبک هندی که بر اهمیتی لفظ قائل نبودند این صنعت را در اغلب اشعار کورد بکار برده است -

روز و شب ما را بود پست و بلند روزگار

پشت و روی کار صبح و شام ایم است و بس

تشبیه:

استعمال تشبیه در شعر بینش به نوعی نشان دهنده حرکت اوست به سمت اعتدال است به همین دلیل وی نسبت به شاعران دیگر سبک هندی ترکیبات و تشبیهات ذهنی و انتزاعی خلق کرده است و آنرا در پیرامون خوبی در اشعار خود بکار برده است، برای استدلال این نکته اشعار زیر را ملاحظه کنید -  
تو بینش از قمار بازی نیستی واقف که در يك داو

اول دین و دل باختی و رفتی



.....

بر داغهای سینه نظر کن که چون غمت  
بر شیشه خانه دل ما ریخت سنگها

.....

ندیدم در وطن يك لحظه آسایش چون آن مرغی  
که بر شاخ کنجی بندد به گلشن آشیانش را  
بینش در اشعار خود کنایه های که به صورت فعل و  
ترکیبات فعلی ساخته که اغلب از آنها به نوع کنایه های ایهامی و  
استعارای بکار رفته است - علاوه بر آن صناعات شعری از قبیل  
تلمیح، عبارت پردازی، تلمیح، اغراق، مبالغه و جز آن را در اشعار  
بینش توان دریافت که چندین از آنها در زیر آورده ام:  
کنایه

فلک گویا به چشم بیمار تو می گردد  
که از هر گردش او حلقه ماتم شود پیدا  
جگرم سوخت ز بس یاد لب او کردم  
شوری این نمک آتش به کباب اندازد

تلمیح

تو ای منصور تنها از انالحق نیستی رسوا  
که باشد خود نمایی بر فراز دار هم بودن

.....

عبارت پردازی:

دل درون سینه ام بینش بود نقشی بر آب  
کرده ام از گرد ویرانی بنا این خانه را

## تمثیل نگاری

مرد کامل را به اصل خود بود نسبت تمام

نکته گل بیشتر باشد گلاب کهنه را

## نتیجه گیری

بینش کشمیری در محدود زمانی امپراطوران مغول می زیست که اشعار آن زمان تحت تاثیر سبک هندی قرار گرفته ، اما اشعار وی مائل به سبک عراقی است - اغلب از اشعار وی در باب تسلط و اشراف اوبه علوم به ویژه فرهنگ قران ، قصص الانبیا ، نجوم ، مباحث اساطیری و تاریخی است - او علاوه بر دیوان غزلیات يك خمسه و چند قصاید دیگر هم دارد - اشعار وی دارای عشق و عرفان و اساطیر می باشد - در مثنوی های خود از اخلاق و حکمت و توصیف شهرهای مانند کرمان و کاشان و راجع به اجرام فلکی سخن ها گفته است - شاعر در غزلیات خود به موضوعات عرفانی و وجدانی پرداخته است که از آن سوز و گداز شاعر را درك توان کرد - او نیز از شاعران بزرگ مثل حافظ و سعدی تتبع کرده و حال را بر ماضی ترجیح داده است - شعر بینش از لحاظ ادبی و فکری مقام خاصی دارد و به پیچیدگی های سبک هندی سروکار زیادی نه دارد - من الحیث المجموع ملا محمد اسمعیل بیگ بینش یکی ب از شاعران نام چین و زبردست سده یازدهم هجری است

## منابع و حواشی

۱ اسم شاعر بر نسخه دیوان ای اسمعیل درج شده اما در

- تذکره شعرا ملا محمد و در نتایج الافکار و مخزن الغرایب  
محمد جعفر بیگ آمده ، تذکره شعرای کشمیر ، جلد اول  
ص، ۱۴۸
- ۲ سفینه خوشگو ، بندرا بن داس ، ص ۱۳۵-۱۳۶
- ۳ catalogue of persian manuscripts British  
museum, Charls Rieu , vol 2 London  
1966, pp165-166
- ۴ نسخه خطی کلیات بینش ، موزه برتانیای ، شماره ۵۰۷-  
۵ catalogue of persian manuscripts British  
museum, Charls Rieu , vol 2 London  
1966, pp165-166
- ۶ همان مآخذ ورق ۲۲۰
- ۷ همان مآخذ ورق ۹۲
- ۸ اشعار مزبور را در تتبع قافیه بندی حافظ توان دید
- ۹ همان مآخذ ورق ۱۷۴